

بررسی فرهنگ، آداب و رسوم مردم جامخانه در دهه‌های

۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ هجری شمسی

۱ رضا عبادی جامخانه

۲ حبیب‌الله بالویی جامخانه

۳ روح‌الله بازاری جامخانه

۴ عمران بالویی جامخانه (قاسم)

۵ علیرضا بازاری جامخانه (مراد)

۶ قاسم باقری

۷ مقداد باقری

چکیده

فرهنگ مازندرانی تاریخی چندهزارساله دارد. گستره جغرافیایی فرهنگ طبری سراسر مازندران تاریخی و فرهنگی و در میان مردمان مازندرانی است. آیین‌ها و جشن‌ها، آداب و رسوم ملی، منطقه‌ای و محلی از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خاص و بالقوه هر کشور است. روستای جامخانه (۳۶ درجه عرض شمالی و ۵۳ درجه طول شرقی) یکی از بزرگترین روستاهای مازندران واقع در شهرستان ساری بخش میانرود بزرگ می‌باشد بر این اساس هدف محققان در این تحقیق "بررسی فرهنگ، آداب و رسوم مردم جامخانه" به روش تحقیق تاریخی-میدانی بوده و به مؤلفه‌هایی از قبیل: باورها و آداب و رسوم خاص در ارتباط با عروسی‌ها، ماه رمضان، واقعه عاشورا و فعالیت‌های اقتصادی اشاره خواهد شد.

واژگان کلیدی: جامخانه، آداب و رسوم، عاشورا، کایر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. پژوهشگر فرهنگ عامه روستای جامخانه، دبیر مطالعات اجتماعی.
۲. پژوهشگر فرهنگ عامه روستای جامخانه، معاون فناوری دبستان شهید اشجعی شهرنکا.
۳. پژوهشگر فرهنگ عامه روستای جامخانه.
۴. پژوهشگر فرهنگ عامه روستای جامخانه.
۵. پژوهشگر فرهنگ عامه روستای جامخانه.
۶. پژوهشگر فرهنگ عامه روستای جامخانه، معاون ودبیر مطالعات اجتماعی دبیرستان شهید باقری جامخانه.
۷. پژوهشگر فرهنگ عامه روستای جامخانه.

مقدمه

فرهنگ طبری یا فرهنگ مازندرانی شامل ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای موجود و همچنین دانش، اعتقادات، هنرها، قوانین، آداب و رسومی می‌شود که در میان مردم مازندرانی رواج دارد. فرهنگ مازندرانی دارای هویت شادی گستر و مشوق به دوری از اندوه است که آن را هر چه بیشتر در خاورمیانه از فرهنگ‌های بزرگی چون عربی متمایز می‌سازد. فرهنگ مردمان طبرستان و گیلان فرهنگی پشت به دریاست چنانچه تمام شهرهای ساحلی این مناطق شهرهایی جدیدالتأسیس هستند و شهرهای قدیمی و کهن از دریا و ساحل فاصله دارند. در این فرهنگ هیچ قصه، افسانه یا ترانه‌ای راجع به دریا وجود ندارد و اگر چیزی هم باشد، جدید است. مازندران از فرهنگ و تمدن بسیار کهن و اصیل آریایی برخوردار است و به دلیل داشتن این تمدن باستانی و دیرینه مراسم‌های باستانی و به دلیل علاقه به دین و مذهب مراسم مذهبی بس باشکوهی در این دیار کهن برگزار می‌گردد، پس از گرویدن مردم آن به اسلام، برخی از مراسم باستانی بسته به فرهنگ مردمان مختلف مازندرانی با آداب اسلامی درآمیخته و بنابراین شیوه اجرای آن در هر روستا با روستای دیگر متفاوت است. برخی از آیین‌ها و جشن‌های رایج در شهرهای مازندران مانند تاسوعا و عاشورای حسینی، نوروز و ... در دیگر نقاط کشور نیز رایج است. بسیاری از مراسم مانند عید ما، عروس گلی، تیرماسیزه شو و ... تنها ویژه استان مازندران هستند.

مردم مازندران به زبان تبری (مازندرانی) و گیلکی و فارسی سخن می‌گویند. استان مازندران حدود سه میلیون و ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که در حدود ۶۰ نقطه شهری و بیش از سه هزار پارچه آبادی سکونت دارند.

ساکنان قدیم غرب دریای خزر یا دریای مازندران کادوسیان بودند. در منطقه میانی و شرقی دریای خزر اقوام آنریاک - مردویی و تپورها ساکن بوده که بعدها ایرانیان آن را تپورستان و با آمدن اعراب این منطقه را تبرستان نامیدند. نمی‌توان گفت این اقوام کی و از کجا آمده‌اند اما به نظر استرابون، تپورها در حد فاصل آماردها و هیرکانیه زندگی می‌کردند. (یعنی میان آمل و گرگان امروزی) اما دیاکونف نوشته: «تپورها در هیرکانیه ساکن بودند و تحت نفوذ هیرکانیان.» مرز شرقی آن‌ها استرآباد و مرز غربی آن‌ها از چالوس بود. پس مازندران بخشی از تپورستان است که مرکز آن شهر تاریخی ساری بوده و هست. اراستوفن می‌نویسد: «قبیله‌هایی که در کناره دریای خزر بودند چنین‌اند: هیرکانیان، آماردها، آناری‌ها، کادوسها، آلبانی‌ها، کاسیان.» وی هم چنین نوشته: «تپورها قبیله‌ای بودند که در سرزمین هیرکانی ساکن و جزو قبایل کنار دریا نبودند.» ظاهراً ایشان قبایل گسترده‌ای بودند که با آمدن آریایی‌ها عقب رانده شدند. در مسکوکات سلاطین مستقل مازندران که خود سکه می‌زدند نام پادشاه تپورستان آمده‌است.

روش تحقیق

در این تحقیق روش کار ما بر اساس مطالعات میدانی و تاریخی بوده ابزار تحقیق مصاحبه از بزرگان محل از قبیل: مرحومان حاجی رمضان، محمد، احمد عبادی (زلفعلی)، حاجی رحیم باقری، مرحوم عسکری رضوان، حاجی موسی باقری، کریم اصغری و استاد اصغر هنربخش و سایر اهالی محترم در طی ۳۰ سال اخیر صورت گرفته است.

آداب و رسوم

آداب و رسوم شامل شیوه‌های زندگی، عادات و رسوم خاص یک ملت، مردم و یا یک جماعت می‌شود. آداب و رسوم همچنین دارای ابعاد الزام و رضای عمومی شرکت‌کنندگان در حیات اجتماعی نیز هست. از دیدگاه جامعه‌شناسی، آداب و رسوم رایج را می‌توان چنین تعریف کرد:

۱. مدل‌های اساسی و مهم رفتار که افراد به اجبار در یک محیط اجتماعی می‌پذیرند.
 ۲. مجموع رفتارهایی که به صورت عادت درآمده‌اند و افراد متعلق به یک طبقه به انجام می‌رسانند و جامعه نیز در ترتیب ارزش‌های او، برای آنان معنایی نهان قائل است. تخطی در رعایت آداب و رسوم رایج، تقبیح افکار عمومی و در مواردی، تعقیب افراد را با استناد به قوانین مدنی، موجب می‌شود.
- تاریخ‌نگاران یونانی و رومی با اینکه چندان علاقه‌ای به ایران و ایرانی نداشته و از آن‌ها تحت عنوان بربر یاد می‌کردند با این حال نمی‌توانستند منکر سجایای اخلاقی و صفات حمیده ایرانیان باشند. همه‌جا از گفتار، کردار و پندار نیک سخن رفته است، همه‌جا از بیگانگی ایرانیان از دروغ صحبت می‌شود.

ایرانیان به اطفال خود از سن پنج‌سالگی تا بیست‌سالگی فقط سه چیز می‌آموختند: سواری و تیراندازی و راستگویی. دروغ‌گویی را بدترین عیب می‌دانستند، دروغ‌گو به دوزخ یا سرای ناپاکان و دروغ‌پردازان می‌رفت و گویا دروغ معانی مختلفی داشته است. پس از آن قرض‌داری را زشت‌ترین معایب می‌دانستند زیرا معتقد بودند که مقروض مجبور است دروغ بگوید.

فرهنگ

فرهنگ به انگلیسی، Culture یک مفهوم گسترده است که شامل ارزش‌های اجتماعی و هنج‌های موجود در جوامع بشری و همچنین دانش، باورها، هنرها، قوانین، آداب و رسوم، توانایی‌ها و عادت‌های افراد گروه یا جامعه می‌شود. ادوارد بارنت تایلور - ۱۹۱۷-۱۸۳۲ - فرهنگ

را. مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هر چه که فرد به عنوان عضوی از جامعه خویش فرامی‌گیرد تعریف می‌کند. هر منطقه از هر کشوری می‌تواند فرهنگ متفاوتی با دیگر مناطق آن کشور داشته باشد. [فرهنگ از راه آموزش، به نسل بعدی منتقل می‌شود؛ درحالی‌که ژنتیک به وسیلهٔ وراثت منتقل می‌شود. همچنین فرهنگ راهکارهای شایع موجه در یک جامعه است برای رفع هرگونه نیاز واقعی یا غیرواقعی. فرهنگ همواره نرم‌افزار است و تمدن شامل آن و سخت‌افزارهاست؛ مثلاً گفتگو به زبان فارسی یک راهکار است بر رفع نیاز رو در رو سخن گفتن و زبان چینی راهکاری دیگر برای مردمانی دیگر برای رفع همین نیاز است.

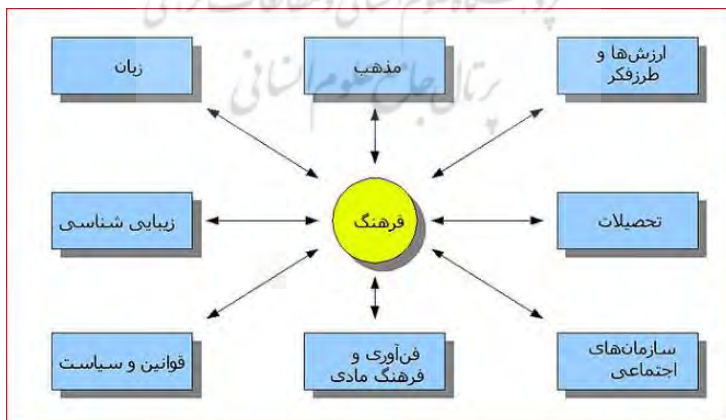
فرهنگ، راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان در یک جامعه است. فرهنگ، دربرگیرندهٔ این چیزهاست:

-سازگاری کلی با نیازهای غریزی و فطری و اقتصادی یا محیط جغرافیایی پیرامون؛

-سازمان مشترکی که برای فرونشاندن نیازهای اجتماعی و سیاسی که از محیط پیرامون برخاسته‌اند، پیدا شده است؛

-مجموعه مشترکی از اندیشه‌ها و دستاوردها. (بهمردی، ۱۳۹۰)

فرهنگ، شامل هنر، ادبیات، علم، آفرینش‌ها، فلسفه و دین است. هنجار فرهنگی رفتار قابل قبول یک جامعه را تعیین می‌کند؛ و به عنوان راهنمای نحوه رفتار، پوشش لباس، زبان، و حرکت در یک موقعیت خاص و همچنین انتظارات در یک گروه اجتماعی عمل می‌کند. تک فرهنگ‌گرایی (Monoculturalism) در یک گروه اجتماعی می‌تواند ریسک‌هایی داشته باشد، درست همان‌طور که یک گونه حیوانی واحد می‌تواند در مقابل تغییرات محیطی از بین برود.



نمودار شماره ۱: عناصر فرهنگ

فرهنگ فارسی معین واژه «فرهنگ» را مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم تعریف کرده است. لغت‌نامه دهخدا «هنگ» را از ریشه «تنگ» اوستایی به معنی کشیدن و فرهختن و فرهنگ ذکر می‌کند.

واژه فرهنگ در پهلوی ساسانی به صورت «فره هنگ» آمده است که از دو جزء «فره» به معنای پیش و فرا؛ و «هنگ» به معنای کشیدن و راندن، ساخته شده است. در نتیجه «فرهنگ» به معنای پیش کشیدن و فراکشیدن است. به همین سبب است که در فارسی‌زبانان فرهنگ را سبب پیشرفت می‌دانند.

هنگامی که مفهوم «فرهنگ» برای نخستین بار در سده‌های هیجدهم و نوزدهم در اروپا به کار گرفته شد، بر فرایند کشت و زرع یا ترویج در کشاورزی و باغبانی دلالت داشت. چنان‌که واژه انگلیسی این مفهوم از واژه لاتین "کالتورا" به لاتین Cultura گرفته است که به معنای کشت، زراعت و ترویج است. ادوارد تایلر در سال ۱۸۷۱ فرهنگ را با تمدن مقایسه کرد و آن دو را کلیتی درهم‌تنیده دانست که شامل دین، هنر، اخلاق و هرگونه توانایی است که آدمی می‌تواند به دست آورد. «کلاکر» نیز فرهنگ را در کل مفهومی وصف‌گرایانه به معنای گنجینه‌ای انباشته از آفرینندگی‌های بشر تلقی کرد از این رو کتاب‌ها، نقاشی‌ها، بناها و نیز دانش هماهنگی با محیط و همچنین آداب و فضیلت‌های اخلاقی و دستورهای شایست و ناشایست، همگی جزئی از فرهنگ به‌شمار می‌رود. «مایرس» نیز فرهنگ را آن چیزی دانست که از گذشته آدمی به جای مانده است و بر اکنون و آینده او تأثیر می‌گذارد. (به‌مردی، ۱۳۹۰)

سنت‌های ماه رمضان

آداب، رسوم و عقاید مردم هر منطقه از کشور، ریشه در عقاید دینی و ملی آن‌ها دارد که بارزترین عنصر هویت بخشی مردمان یک ناحیه محسوب می‌شود. باید در حفظ و انتقال آن به آیندگان کوشا بود اما متأسفانه به آداب و رسوم، توجه چندانی نمی‌شود و غباری از فراموشی بر آن‌ها نشسته است. به گفته کارشناسان، یکی از رسوم قدیمی مازندرانی‌ها در ماه مبارک رمضان به استقبال رفتن این ماه مبارک است که عمدتاً سه روز آخر ماه شعبان را به استقبال ماه رمضان می‌رفتند و اگر سه روزه علت گرما یا طولانی بودن روز، مقدور نمی‌شد، یک روز را به‌طور حتم به استقبال می‌رفتند که این سنت حسنه همچنان ادامه دارد. در قدیم به علت نبود امکانات مانند برق، روشنایی، رسانه و خستگی مردم به خاطر کار در شالیزار و فعالیت‌های کشاورزی ممکن بود که عده‌ای، سحر را خواب بمانند بنابراین بعضی از مؤمنان با گرفتن حلب خالی در یکدست و چوب در دست دیگر با چوب روی حلب می‌کوبیدند و با فریاد «سحر برخیز»، «سحر برخیز که صبح صادق آمد»، مردم را برای خوردن سحر و روزه گرفتن از خواب بیدار می‌کردند و اگر همسایه‌ای چراغ یا به گفته مازندرانی‌ها، لمپ پا (چراغ گردسوز) یا فانوس همسایه

را خاموش می‌دید بلافاصله بر در خانه می‌کوبیدند و او را از سحر، آگاه می‌کردند. در مناطق کوهستانی استان مازندران و در روستاهای دوردست شهرستان سوادکوه و کوه‌های دو هزار شهرستان تنکابن و منطقه بندپی شهرستان بابل و به‌ویژه در چهاردانگه و دودانگه و روستاهای اتو، لاجیم، ولویی، پیر نعیم، امیرکلا، ولوکش، سی پی سوادکوه و روستاهای دیگر، سنت حسنه سحر خوانی همچنان ادامه دارد. سحری خوانی از جمله رسومی است که طی آن، سحری خوانان با حرکت در کوچه پس‌کوچه‌های روستا، مردم را برای سحر بیدار می‌کنند و در قدیم، سحر خوانان با به راه افتادن در کوچه و محلات با نوای خوش، روزه‌داران را بیدار می‌کردند و می‌خواندند، «سحر شد بپا خیز هنگام نماز است» و همسایه‌ها نیز با این آواز دیگران را برای سحری بیدار می‌کردند. در گذشته‌های نه‌چندان دور، آداب و رسومی از جمله سحری خوانی در منطقه دیده می‌شد که طی آن، سحری‌خوانان با حرکت در کوچه‌پس‌کوچه‌های روستا، مردم را برای سحر بیدار می‌کردند، در قدیم، سحر خوانان با به راه افتادن در کوچه و محلات بانوای خوش، روزه‌داران را بیدار می‌کردند و می‌خواندند، «سحر شد بپا خیز هنگام نماز است» و همسایه‌ها نیز با این آواز دیگران را برای سحری بیدار می‌کردند. آداب و رسوم ماه مبارک رمضان یکی از مباحث مهم فرهنگ مردم بوده که به‌واسطه قدمت خود، از قداست ویژه‌ای برخوردار است و متأسفانه در زندگی شهری و ماشینی، بسیاری از این سنت‌های زیبا به بوته فراموشی سپرده‌شده و بسیاری دیگر نیز کم‌رنگ‌تر شده‌اند و از آنجاکه این رسوم با باورهای اعتقادی و فرهنگی آمیخته شده‌اند، اهمیت فراوانی نیز دارند. کسانی که در مازندران برای نخستین بار به سن تکلیف می‌رسند و روزه می‌گیرند تا زمانی که از جانب بزرگ‌ترها به‌عنوان روزه‌سری هدیه‌ای نگیرند، افطار نمی‌کنند و معمولاً این هدایا شامل چادر نماز و طلاجات برای دختران، پول و انواع نقره جات قدیمی برای پسران است. شیر آش، راغون دشو، شکر پلا، اوحلوا، آش ساک، کوکو، شامی سبزی، تخم‌مرغ و برنج و در قدیم نیز قرقناق از غذاهای محلی مازندران بود که اعتقاد داشتند خوردن این غذاها در طول روز مانع گرسنگی و ضعف می‌شود. مازندرانی‌ها ترجیح می‌دهند افطارشان را هر قدر هم که ساده باشد، با خانواده و فامیل شریک شوند و بنابراین در خانواده‌های مازندرانی، تقریباً هر شب مهمانی افطار برپاست. بومیان ساکن مازندران می‌دانستند با در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی و با توجه به کار سخت کشاورزی، دامداری و طولانی بودن روز در زمان روزه‌داری از کدام مواد طبیعی با چه ترکیبی خوراک تهیه کنند تا تحمل این ایام برای آنان آسان شود. "اوحلوا" غذایی بسیار کامل است که از مخلوط آب، شکر قرمز و کمی شیر خرمالوی وحشی به دست می‌آید. این غذا به خاطر داشتن مواد قندی طبیعی می‌تواند برای افطار بسیار مناسب باشد. بومیان ساکن مازندران مخلوطی از برنج را خیس کرده و آرد کمی درشت‌تر، تخم‌مرغ، ادویه، کنجد و شکر را به آن افزوده و مانند کتلت سرخ می‌کنند. «قماق» غذایی بسیار مقوی است که مناسب سفره افطار است.

کایر/قرضی کاه

کایر در زبان مازندرانی به معنای کمک بدون مزد و بیشتر به صورت کمک دسته‌جمعی در مازندران مشاهده می‌شود. در فصل نشاء محصول و توتون برنج بانوان جامخانه‌ای بر اساس نیاز گروه تشکیل می‌دادند و به کمک همسایه‌ای که زمینش آماده نشاء بوده می‌رفتند. این همکاری و کمک کایر ادامه داشت تا زمین همه اعضای این گروه نشاء شود بدون اینکه مزدی پرداخت بپردازند. هرچند در حال حاضر کایر نشاء و درو شالی با ورود فن‌آوری‌های جدید بیشتر به صورت مکانیزه انجام می‌شود اما هنوز در روستاهای مازندران مشاهده می‌شود. بعد از شالی در فصل پاییز که برداشت انار در مازندران به ویژه آبان ماه آغاز می‌شود بانوان روستایی مازندران بار دیگر با هم جمع می‌شوند و در چیدن و دانه کردن انار و رب انار با هم همکاری می‌کنند و به زبان مازندرانی انار کایر می‌گویند که این روزها بیشتر مشاهده می‌شود. این بانوان پس از چیدن انار این میوه بهشتی، آن را با هم دوان می‌کنند و مقداری از آن را به صورت بسته بندی در فریزر مقداری را برای درست کردن شکم پری خشک می‌کنند و بیشتر آن را به صورت رب انار آماده کرده و در فسنجان، آش ترش و دیگر غذاها استفاده می‌کنند. بانوان واهالی جامخانه در زراعت توتون و در دهه ۵۰ و ۶۰ برداشت پنبه و حتی شب‌ها انار کایر داشتند و همسایه‌ها یا بستگان نزدیک با هم جمع می‌شوند و رسم و رسوم‌های گذشته را احیاء می‌کنند. انار کایر منزل حاجی علی‌اکبر عبادی جامخانه‌ای (نوروزعلی) بسیار جالب و دیدنی بوده است. برای اینکه ساعت‌ها طول می‌کشید تا انارها دوان شده و تبدیل به رب انار شود میزبان، با آش ترش جنگی، پخت کدو (کپی هکشی) یا باقلای پخته و برنج و در پایان با پخت آش با همان رب انار تازه از مهمانان پذیرایی می‌کردند.



تصویرش ۱: نمونه‌ای از کایر در زمینه سوزن زدن برگان توتون سال ۱۳۳۶ش منزل مرحوم حاجی خیرا...رستمی

مراسم ازدواج و عروسی در روزگار کهن

خواستگاری به وسیله اقوام داماد انجام می‌گیرد که پس از رضایت خانواده عروس فردای آن شب پلوی معطری همراه با گوشت تهیه دیده و آن را برای خانواده عروس و نزدیکانش می‌فرستادند دادن غذا یعنی موافقت رسمی به این وصلت می‌باشد این کار در اصطلاح (اره پلو) نامیده می‌شود مراسم بعدی شربت خوری همراه با عقدکنان است که دعوت‌شدگان بسته به نوع دعوت به غذا و شربت یا چای و شیرینی دعوت می‌شوند از فردایان شب دوران نامزدی آغاز می‌شود که از یکسال (از دو فصل برداشت محصول) تجاوز نمی‌کند این دوران و دیدارهای زوج در این مدت به تعصبات خانواده عروس و شرم و حیای طرفین از حشر و نشر معمول مانع بزرگ آن است خالق ماجراهای شنیدنی و خنده آور می‌شود که شگفتی بعضی از آن حوادث به قدری است که سزاوار ورود به دنیای ضرب المثل بر می‌گردد پس از پایان این دوره مقدمات مراسم عروسی با جشن دیگری از راه می‌رسد و آن جشن (خیاط نشانی) است. در خیاط نشانی نیز پس از دعوت از خیاط روستا و مردم جشن با پذیرایی از دعوت‌شدگان و کمک مردم در بعضی از مواقع به صاحب عروسی پایان می‌گیرد ولی خیاط که تمام وسایل مغازه خود را به خانه داماد آورده به مدت دو هفته لباس عروس و داماد و دیگر کارها را آماده می‌کرد پس از دوختن لباس روز عروسی تعیین می‌شود.

یک روز قبل از جشن از خانه داماد تمام مخارج جشن عروسی از خانه عروس چیزهایی مثل برنج، روغن، گوشت و سایر مخلفات را به نام ((خرج بار)) بر پشت اسب کرده و به همراه چند گوسفند که بر شاخ‌هایشان نارنج فرو کرده‌اند، پایکوبان به خانه عروس می‌بردند مردم نیز کمک‌هایی به نام سورین در ظرف‌های مسی می‌ریزند و روی آن را با پارچه رنگی پوشانده و بر سر می‌گیرند و به خانه داماد می‌برند ناگفته نماند که قبل از مراسم عقدکنان در امر شیربها و مهریه بازار چانه زدن کاملاً گرم است و هر یک از طرفین سعی در کم و زیاد کردن مقدار آن دارد. خواه ناخواه توافق به عمل می‌آید شب عروسی را در اصطلاح حنابندان می‌گویند عده زیادی هم‌سن‌وسالان داماد و اقوام آن‌ها در آن شب پس از صرف شام بساط حنا برپا می‌دارند داماد را روی صندلی نشانده و کاسه حنا را بر کف دست و موی سر می‌مالند. این عمل با هدایت و راهنمایی ((ساق دوش)) انجام می‌گیرد که به زبان محلی ((زوما برار)) یا برادر داماد گفته می‌شود. وظیفه این فرد آموزش بعضی نکات مهم عروسی است.



تصویر شماره ۲: مراسم عروسی عیسی عبادی (احمد) سال ۱۳۷۱

صبح عروسی با صدای رسای سرنا و آوای دهل و طبل که از چند روز پیش متناوباً در حیاط خانه داماد طنین‌انداز است شروع می‌شود از نکات مهم جشن کشتی گرفتن پهلوانان و مراسم بندبازی و ریسمان‌بازی بوده است پس از اتمام مراسم کشتی و ریسمان‌بازی عده‌ای از جوانان به دور داماد جمع می‌شود و سلمانی محل داماد را پیرایش می‌کند و دوستان داماد هر یک خدیبه‌ای به سلمانی به عنوان دست مزد به داخل بشقاب می‌ریزند. پس از اصلاح سر و صورت داماد را با ساز و دهل به حمام می‌برند و پس از استحمام لباس دامادی را به او می‌پوشانند بیرون حمام جوانان منتظر او هستند و پس از بیرون آمدن داماد از حمام روبوسی می‌کنند و به کمک پدر داماد وارد مجلس می‌شوند که عموماً افراد مسن هستند و اهل مجلس هر یک به توانایی خود مبلغی را در جیب داماد قرار می‌دهد. وقتی صاحب عروسی از پذیرایی مهمانان فارغ شد در صدم برمی‌آید که برای آوردن عروس به خانه پدر عروس بروند در این حال و موقعیت به اجرای رسمی می‌پردازند که قدمت و سابقه بسیار عمیق از روزگاران گذشته از زمان انتقال قدرت از زن به مرد در جوامع ابتدایی دارد و در این مراسم یک زدو خورد مصنوعی بین اقوام عروس و داماد در می‌گیرد و سپس مراسم با برتری اقوام داماد به پایان می‌رسد و عروس را سوار اسب می‌کنند. به همراه یک پسرچه کوچک تا نازایی از او دور شود به محض اینکه عروس و داماد به هم نزدیک می‌شوند. داماد بسته‌ای را که حاوی انار، حلوا، پرتغال و سکه‌های چند است به طرف عروس پرتاب می‌کند این عمل را نار زدن می‌گفتند عروس به اتفاق داماد درحالی که جهیزیه‌اش با اسبان بارکش است به طرف خانه داماد حرکت می‌کنند. وقتی به حیاط خانه رسیدند نزدیکان داماد سکه‌های

فراوانی را با قدری برنج خام مشت مشت به طرف عروس می‌ریزند و درحالی‌که اسپند دود می‌کنند مقدم عروس را گرمی می‌دارند بعد عروس و داماد را از اسب پیاده کرده و در حلقه جمعیتی انبوه رقص‌های پرشور و سنتی انجام می‌دهند و صدای سرنا و دهل لوطی‌ها هم طنین‌انداز می‌شد پس از اتمام عروسی و فردای زفاف عده‌ای از اقوام نزدیک عروس و داماد به خانه داماد می‌آیند و پس از صرف چاشت هدایای خود را به عروس تقدیم می‌دارند که این رسم را رونما می‌نامند.

کارکردهای کتاب مقدس قرآن کریم در مراسم عروسی

یکی از جلوه‌های حضور قرآن در جامعه‌ی ایرانی، استفاده از قرآن در آیین‌های ازدواج است. ایرانیان، در مراسم ازدواج نیز سعی دارند تا ضمن اعلام بنای بنیان خانواده، بر آموزش‌های قرآنی، قرآن شریف را در مراسم‌های مختلف عقد و عروسی خود حضور دهند. در این جلوه‌ی ارزشمند قرآن، پایبندی خود را به قرآن و آموزه‌های آن در شادترین لحظات زندگی نشان می‌دهند و تصمیم خود را برای پیروی از قرآن کریم در طول زندگی خود، استوار می‌سازند. ارتباط با قرآن کریم در مراسم ازدواج، به چندگونه است که تعدادی از آن‌ها را برمی‌شمریم:

۱. **قرآن سر سفره‌ی عقد:** هنگامی که سفره‌ی عقد ازدواجی چیده می‌شود، همه‌ی بستگان با آرزوی خوش بختی عروس و داماد، سعی می‌کنند به هر چه با شکوه تر شدن این مراسم کمک کنند و در این راه، از جمع کردن اسباب شادی، مهم، بکرت و... بر سر سفره‌ی عقد، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. آب، آینه، نان و سبزی، شیرینی، عسل و... از لوازم سفره‌ی عقد است؛ اما آنچه این سفره را رنگین و نورانی می‌کند، حضور قرآن کریم است که در سفره‌ی عقد، به عنوان یکی از عوامل برکتجویی از زندگی عروس و داماد، گذاشته می‌شود. خانواده‌های ایرانی، قرآن سفره‌ی عقد را از زیباترین و بهترین قرآن‌ها انتخاب می‌کنند و آن را در سفره‌ی عقد قرار می‌دهند.
۲. **قرائت قرآن، هنگام اجرای خطبه‌ی عقد:** هنگامی که عروس و داماد، برای اجرای خطبه‌ی عقد بر سر سفره‌ی عقد می‌نشینند، با دلی پر از زیباترین آرزوها و در پی رسیدن به سعادت، از هر عاملی که آن‌ها را در رسیدن به هدفشان یاری می‌رساند، مدد می‌جویند. زوج‌های با ایمان و دیندار نیز از همان آغازین لحظه‌های پیمان ازدواج، با خویش و با یکدیگر عهد می‌بندند تا پیرو قرآن باشند و آموزش‌های قرآن را در زندگی خود به کار گیرند.
۳. **قرآن همراه عروس:** زمانی که خانواده‌ی داماد برای بردن عروس، به خانه‌ی آن‌ها می‌آیند و عروس، آماده‌ی رفتن به خانه‌ی شوهر می‌شود، با فامیل و خانواده، به ویژه پدر و مادر خود خداحافظی می‌کند.

۴. رد شدن عروس و داماد از زیر قرآن

۵. قرآن مهریه‌ی عروس: یکی از چیزهایی که در مهریه‌ی دختران ایرانی، به عنوان یک مورد جدایی ناپذیر حضور دارد، قرار دادن یک جلد کلام‌الله مجید، به عنوان مهریه است. در حقیقت، زوج ایرانی، با قرار دادن یک جلد قرآن به عنوان مهریه، آن را مهر خوش بختی خود قرار می‌دهند. (اسدی، ۱۳۹۶)

سفره نوروزی و سفره هفت‌سین

در زمان ساسانیان از هفت نوع غله و حبوبات استفاده می‌کردند. (سیب، سرکه، سیر، سمنو، سبزه، سپند، سنبل، سوهان، سنگگ نان، سیاه‌دانه و سکه) که هفت چیز از این‌ها را بر می‌گزیدند. برخی هفت‌سین را در اصل هفت شین می‌پنداشتند (شراب، شکر، شهد، شیر، شمع، شمشاد و شیرینی...) سفره نوروزی معمولاً سفیدرنگ هست که بالای سفره آینه‌ای می‌گذاشتند که نشانه جهان بی‌پایان است. در اطراف آینه یک یا چند شمع می‌گذاشتند یا چراغ که آن را خاموش نمی‌کردند و روی آینه تخم‌مرغی می‌گذاشتند که مظهری از تخمه و نژاد و آفرینش آدمی و جلوی آینه مشتی گندم به نشانه روزی می‌پاشیدند و نیز یک نان که معرفت برکت خانه است و ماهی درون کاسه آب به نشانه روزی حلال.

در نزدیک چراغ و آینه قرآن کریم و یک شمایل حضرت علی (ع) و اسفند در خوانچه مخصوصی می‌نهادند.

شیرینی‌ها و آجیل‌ها و میوه‌هایی که برای پذیرایی از مهمانان نوروزی فراهم آمده هم با زیبایی و سلیقه خاصی چیده می‌شد.

غالباً تا چند لحظه پیش سال تحویل در اطاق را می‌بستند. مردم روستای جامخانه پس از تحویل سال نو ابتدا به مزار شهدا و سپس به دیدار خانواده‌های معظم شهدا و منزل کسانی که در سال قبل عزیزی را از دست دادند خواهند رفت و آن‌هایی که با هم عداوت و کینه‌ای داشتند در این روز آشتی می‌کنند.

شب چله در جامخانه

در گذشته‌های دور در شب اول فصل زمستان که همان شب‌چله می‌باشد مردمان با صفای این روستا، آداب و رسومی داشتند که به شب چله معروف است.

مردم باور داشتند که اگر در شب‌چله «پیرزن شب‌چله» گریه کند هوا بارانی می‌شود و اگر پنبه‌ها را از توی لحاف بیرون بریزد برف خواهد بارید و اگر گردن‌بند پاره کند حضرت صاحب‌الزمان (عج) ظهور می‌کند و دنیا به آخر خواهد رسید.

ولی در مدت چله پیرزن، همیشه هوا برفی و بارانی بود و علت آن این است که پیرزن تمام پنبه‌های لحاف خود را بیرون ریخته است و گریه می‌کند.

بعد از چله پیرزن، چله شتر می‌آید که مدت آن هم هفت روز است و هوا مه‌آلود و سرد و برفی است چون که هنگام باردار شدن شتر است و اگر در این هفت روز شتر باردار نشد تا سال آینده باردار نخواهد شد.

مردم روستا دو روز مانده به شب‌چله دست به کار تهیه مقدمات آن می‌شدند و سپس در اول غروب شب‌چله اهل خانه جمع می‌شدند و دور تا دور کرسی می‌نشستند و پیرزنان و پیرمردان حاضر در مجلس از سردی زمستان و یخبندان دوره‌های گذشته آنچه را که دیده بودند برای حاضران تعریف می‌کردند و میوه‌ها و تنقلات مخصوص شب‌چله که چندین رقم از خوردنی‌هاست را روی کرسی می‌گذاشتند، مثل: پرتغال، کندس، نخود برشته، نارنگی محلی، لیمو، خربزه و هندوانه و شیرینی مخصوص این شب که «پشت زیگ» است.

ولی از همه مهمتر هندوانه که شاه میوه این مجلس است حتماً باید خورده می‌شد و مردم اعتقاد داشتند هر کس در این شب هندوانه بخورد در طول سال به دندان درد دچار نمی‌شود.

همچنین در این شب یک نفر که باسواد بود با دیوان حافظ برای حاضرین فال می‌گرفت و همیشه اولین فال را برای شاه وقت (از همه بزرگتر) می‌گرفتند و بعد از بزرگترها نوبت به این شب‌کند، دعایش مستجاب می‌شود، نکته قابل توجه اینست که این آداب و رسوم ریشه در دوران باستان دارد که نام دی نیز برگرفته از کلمه «دادار» که به معنای خداوند یکتا می‌باشد، است و مردم بخاطر اهمیت این ماه این شب، مراسم شب‌چله را جشن می‌گرفتند.



تصویر شماره ۳: زمستان دهه ۶۰- دورهمی شونیشتم منزل مرحوم حاجی خیرا...رستمی

عزاداری مردم جامخانه در ماه محرم

روز دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری بود که اسلام زنده شد و زنده ماند حسین یک مکتب دارد و آن مکتب شهادت است عشق است عشق به خدای بزرگ مردم پاک و دلسوخته روستای جامخانه که از اوایل دوران قاجاریه مراسم عزاداری سالار شهیدان را برگزار می‌نمایند سال‌های سال برای آن سرور آزادگان اشک خون می‌ریزند مراسم بسیار گسترده‌ای را با تشریفات خاص به انجام می‌رساند به خصوص که در دهه‌های گذشته که تعزیه‌خوانان ملاً داود بازاری و فرزندان‌شان بودند از مراسم بسیار بزرگ و با شکوه که سالانه هزارها نفر را به میدان حضور می‌کشاند مراسم تاسوعا و عاشورا هست که حدود ۲۵۰ سال از برگزاری آن می‌گذرد مردم عزادار جامخانه در صبح ۹ محرم با دسته‌های مختلف مانند سینه‌زنی و زنجیرزنی و کشت و کتل و کفن‌پوش رهسپار روستای اسرم می‌شوند و در تکیه اسرم به همراه عزاداران اسرمی به سوگواری و اجرای مراسم می‌پردازند و آنگاه بعد از اقامه نماز جماعت به پذیرائی از جانب آن اهالی به روستا باز می‌گردند و همین عمل در روز عاشورا از سوی عزاداران اسرم در جامخانه انجام می‌گیرد. آنچه در این میان دل‌ها را به درد می‌آورد مراسم سؤال و جواب علم‌ها و آتش زدن خیمه‌هاست در عصر روز عاشورا مراسم دسته روی بر مزار شهدا انجام می‌گیرد و در تکیه پایین تعزیه قوم بنی اسد برگزار می‌گردد.



تصویر ش ۴: مرحوم نادعلی بالویی جامخانه از پیرغلامان بزرگ (عصر زیست محیطی از محمد شاه قاجار تا آخر پهلوی دوم)

تعزیه خوانی در جامخانه

مضمون تعزیه رویارویی دو نیروی خوب و بد خیر و شر است که به عنوان یک هنر دینی طرح ثابت داستانی مختص به هنرهای دینی را نیز دارا است. تعزیه مجموعه‌ای از نمایش‌های مذهبی است که مبتنی بر مصیبت‌هایی است که بر خاندان پیامبر اسلام وارد شده است. اجرای تعزیه را آمیختگی، نوحه‌خوانی، شبیه‌سازی و داستان‌ها و روایت‌های مذهبی شکل می‌دهد. در سال ۳۳۴ هجری قمری احمد ابن آل بویه (فرزند ماهیگیر گمنام) بغداد را تصرف می‌کند و حکومت عباسیان را پایان می‌دهد. او دستور می‌دهد در دهه محرم تمامی بازارهای بغداد را ببندند و همه‌جا را سیاه بپوشانند و به عزاداری و تعزیه بپردازند. در دوره صفویه تعزیه به‌طور گسترده رواج یافت و در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار به اوج خود رسید. در دوره سردار جلیل حاکم ساری تعزیه‌خوانی رواج یافت در جامخانه افرادی مثل ملا نورعلی و ملا یزدان و ملا رجبعلی و ملا ابراهیم که از پسران ملا نورعلی خادمی بودند در تعزیه‌خوانی مهارت داشتند. بعد از آن‌ها ملا داود و فرزندان و حاجی رمضان ابراهیمی مراسم تعزیه‌خوانی را برگزار می‌کنند. امید است در این سال‌ها نیز تعزیه‌خوانی با رعایت اصول اسلامی و احترام به اهل بیت پیامبر باز هم رواج یابد.



تصویر شماره ۵: دهه ۸۰ مراسم عاشورا حسینیّه اعظم جامخانه

باورهای گذشته مردم روستا و حومه

به سفره سوگند می‌خورند و باور دارند که اگر برخلاف آن قسم یاد کنند، برکت از سفره می‌رود. به سفره گسترده غذا پشت نکرده، نمی‌نشینند و می‌گویند اگر چنین کنند برکت از سفره می‌رود. روی سفره گسترده غذا گام نمی‌زنند و این کار را موجب رفتن برکت می‌دانند خوردن ته کیسه‌ای، یعنی مانده غذاهای داخل سفره را باعث ازدیاد برکت می‌دانند، از تلم زدن (دوشن زدن) گرفتن کره از ماست و شیر- در حضور افراد خلافکار و ناپاک در منزلگاه‌های رمه‌ها، خودداری کرده بر این باورند که برکت از میان می‌رود.

≠ در مورد مرگ آدم‌هایی که بیش از حد از مریضی رنج کشیده‌اند، و یا از اندوهی طولانی به جان آمدند، می‌گویند، بهتر شد که رخت از این جهان بربست، و بر این باورند که دیگر راحت شده است و آرام می‌گیرند.

≠ هر پیشامد و بلای طبیعی و آسمانی را ناشی از اعمال بد آدم‌ها دانسته و می‌گویند: اگر اعمال انسان‌ها، درست باشد حتماً اتفاق‌های ناگوار طبیعی و آسمانی رخ نخواهد داد. هر مرگ‌ومیر پیشامدی را، مقدر می‌دانند و می‌گویند: «قضا و قدر» و باورمندند که هیچ زایشی و مرگی، به دور از خواست قضا و قدر نیست.

≠ اگر در زمستان برف و باران زیادی ببارد می‌گویند بهار خوبی خواهیم داشت و اگر در زمستان برف و باران اندکی ببارد، می‌گویند بهار پر از بارش و بارندگی است.

- ≠ از مشاهده شهاب‌ها، در آسمان به حالت احترام و ترس در آمده، با شگفتی به آن می‌نگرند، و می‌گویند: این نور (اصولاً نور) حرکت و جابه‌جایی معصوم و پاکان است.
- ≠ وقتی خسوف با کسوف صورت می‌گرفت، به پشت‌بام‌ها و یا در حیاط خانه‌ها و یا بلندی‌ها رفته، بر ظروف مسی و یا شیئی دیگر که کوبیدن بر آن سروصدا ایجاد می‌کرد. می‌کوبیدند و باور داشتند که ماه یا آفتاب از دست «گرفتگی‌ها» و اسارت نجات خواهد یافت.
- ≠ اگر کسی در آب ادرار کند، او را از این کار منع کرده، بر این باورند که در آن دنیا باید با مژه‌هایش، این ناپاکی‌ها را از توی آب در آورد.
- ≠ اگر در خانه‌ای، آش پخته شود و بوی سیرداغ آن به مشام زن حامله برسد باید کاسه‌ای از آش به آن پا به ماه داده شود. و گرنه دهان بچه داخل شکم زائو باز می‌ماند.
- ≠ اگر کسی خواب وحشتناکی می‌دید، سراسیمه و هراسان برخاسته می‌گفت: مه ره غول سردخته، یعنی اشباح و هیاکل هولناکی بر سر من فرود آمده‌اند!
- ≠ اگر خواب بدی می‌دیدند ولی آثار خون نیز در آن دیده می‌شد باور داشتند که تعبیر بد این خواب از بین رفته است.
- ≠ بر این باور بودند که خواب‌های نیمه‌های شب، و دم دمای صبح، دارای تعبیر خوب و یا بد است ولی خواب‌های سرشب از اعتبار کمتری برخوردار است.
- ≠ همواره خواب‌های مشکوک و دلواپس کننده را، برای آب روان، نهر چشمه رود، ... بازگو می‌کردند و بر این باورند که تعبیر بد آن‌ها را آب با خود خواهد برد. داشتن و نگهداری کبوتر، در خانه برای کسانی آمد داشت و برای بعضی‌ها بریمن بود و آمد نداشت.
- خشک کردن جغد و نگهداری آن درخانه، بریمن بود و این باور وجود داشت که اتفاق‌های شومی در پی دارد.
- کفش‌ها را با پای راست شروع به پوشیدن می‌کردند و آن را خوش‌یمن می‌دانستند.
- همچنین پوشیدن شلوار، کت، جوراب و هر نوع پوشیدنی را با پا یا دست راست شروع می‌کردند، و از شروع کارها با دست و یا پای چپ اکراه داشتند و آن را بر یمن تلقی می‌کردند.
- ≠ وقتی غذای گرمی می‌خوردند با دهان گرم به بیرون از اتاق و در تاریکی نمی‌رفتند و می‌گفتند خوب نیست.
- ≠ وقتی زمین کشاورزی و یا محصول رونق زیادی پیدا می‌کرد می‌گفتند: ((خضر هامته)) یعنی حضرت خضر (ع) از اینجا عبور کرده و موجب رونق آن شد.
- ≠ اگر کسی برگ‌های سبز درختان را می‌سوزاند بر این باور بودند که دندان‌هاش به درد می‌آید.

پیش بینی آب و هوا در میان گذشتگان و سالخوردگان جامخانه

پیش بینی باران و میزان و بارندگی در سال از دیرباز مورد توجه مردم ایران و خاصه مردم جامخانه بوده است. دامداران و کشاورزان به این مسئله توجه ویژه‌ای دارند. کمبود آب و باران در فصل تابستان و رواج کشت دیم و گسترش دامداری در گذشته‌ها باعث می‌شد که این شاخه از دانش عمری چندین هزارساله داشته باشد.

پیش بینی باران:

مردم عقیده داشتند اگر ستاره‌ها غبارآلوده باشند و مانند همیشه درخشندگی نداشته باشند باران خواهد آمد. اگر هنگام غروب آفتاب ابر و غبار رنگینی مثل قوس و قزح دور خورشید و یا در کنار آن دیده شود گویند باران خواهد آمد.

و نیز معتقدند اگر در زمستان ناگهان ابر در وسط آسمان دو پاره شود بارندگی زیاد و هوا سرد خواهد شد. باد قبله ابر را می‌برد (منظور بادهای گرم و خشک عربستان) و باران را تمام می‌کند. اگر سگ بخوابد و سرش را زیر دمش بگذارد نشانه باران است و اگر در بر خورد دانه‌های باران با آب حباب به وجود آید می‌گویند باران ادامه‌دار است. و اگر در بهار و تابستان بارندگی با رعدوبرق همراه باشد رگبار است و ادامه نخواهد داشت. معتقدند اگر در چله کوچک بارندگی شود سال خوب می‌شود پس خطاب به چله کوچک می‌گویند: ((شب بیار و روز بیار تا بهار نسوزیم)).

سال میش را سال بری می‌دانند و بارندگی بسیار کم خواهد شد. سال گاو و اسب و پلنگ می‌شود و در دشت نه سال ما را با باد شروع و با باد تمام می‌شود همه‌اش باد است ولی از باران خبری نیست. سال موش همراه با گرد و خاک است و همانند سال مار است ولی در سال موش محصول باغ‌ها خوب است.

در سال خوک میزان بارندگی زیاد می‌شود و رشد جنگل‌ها قوی است. در سال مرغ کشت و زراعت زیاد می‌شود. اگر در نوروز آسمان غرش کند آن سال خوب می‌شود. خلاصه آنچه گفته شد نقل از پیران محل ما می‌باشد و امروزه با گسترش علم دیگر این باورها در نزد ما انسان‌های عصر ماشین و آهن معنی و مفهومی نخواهد داشت.



تصویر شماره ۶: ترازوی عصر قجری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اسدی، محمد مهدی (۱۳۹۶)، آداب و رسوم، mohammadmehdiasadi.blogfa.com
- اسلامی، حسین، (۱۳۷۲)، تاریخ دوهزارساله ساری، مازندران، نشر دانشگاه آزاد اسلامی قائمشهر.
- اسلامی، حسین، (۱۳۸۸)، جغرافیای تاریخی ساری، ساری.
- بازن، مارسل و دیگران، گیلان و آذربایجان شرقی، ترجمه مظفر امین فرشچیان، تهران، ۱۳۶۵ ش
- باقری، ایوب (۱۳۷۴)، مونوگرافی روستای جامخانه، رساله دوره کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.
- برزگر، اردشیر، (۱۳۸۰)، تاریخ تبرستان، تهران: نشر رسانش.
- بهمردی، اردشیر (۱۳۹۰)، ریشه‌های واژه فرهنگ در دوره میانه. ایبنا. بایگانی شده از اصلی در ۹ ژوئیه ۲۰۱۲. دریافت شده در ۹ ژوئیه ۲۰۱۲.
- جعفری قنواتی، محمد (۱۳۹۵/۱/۲۹)، جادو در فرهنگ مردم/مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- عبادی جامخانه، رضا، (۱۳۹۵)، تاریخ و فرهنگ جامخانه، تهران: شیداسب.
- عبادی جامخانه، محمدرضا، (۱۳۷۵)، رساله مونوگرافی روستای جامخانه، دانشگاه پیام نور بهشهر.
- کولائی، درویش علی، (۱۳۹۳)، کشف مازندران باستان، ساری، نشر گلچینی.
- گیرشمن، رمان، (۱۳۷۴)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران.
- مجموعه اسناد شخصی بزرگان جامخانه
- مهجوری، اسماعیل، (۱۳۸۱)، تاریخ مازندران، تهران: نشر توس.
- معماریان ح. (۱۳۸۱)، "زمین‌شناسی مهندسی و ژئوتکنیک"، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات.
- کوزر، لوئیس، روزنبرگ، برنارد، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه: فرهنگ ارشاد، نشر نی، ۱۳۷۸



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیوست تحقیق

بازخوانی قدیمی ترین سند وقفی از روستای جامخانه سال ۱۲۰۹ به همراه اصل سند

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل الواقف [الوقف] نجاه للعباد، ووسيله لنيل السعادات، والصّلوه والسّلام على اشرف الانبياء محمّد -صلى الله عليه و آله- ما دامت الارض والسّموات؛ اما بعد؛ بر هر نفسی مخفی نیست که «الدنيا مزرعه الآخرة» هر کسی به قدر قابلیت و لیاقت و وسعت خود باید از برای روز «لا ینفع مالٌ ولا بنون» خود بگذارد که موجب خشنودی خداوند منان و باعث نجات از مهالک او شود.

لهذا؛ نظر به مضمون آیه وافی هدایه «المال والبنون زينه الحياوه الدنيا والباقيات الصالحات خيرٌ عند ربك» علیا جناب خدارت مآب، لیلی خانم صبیبه عمده الاعیان و اشراف [الاشراف] مرحوم جنّت مکان آقا زین العابدین بالو، توفیق رفیق گردیده خواست که باقیات صالحاتی از برای ذخیره یوم معاد خود بگذارد که، در «یوم یفرّ المرء من اخیه و امّه و ابیه و اخیه» باعث نجات و محو سیئات او گردد.

لهذا؛ در حالت صحّت نفس و اختیار، بدون الاکراه والاجبار، وقف مؤبّد صحیح شرعی، و حبس مخدّم ملی نموده از یک سهمی از کلّ شش دانگ بیست و سه سهمی، از یک سهم حصّه و رسدی خود از ملک یام خانه، که من باب الارث تعلق گرفته بود، نیم سهم آن را از برای جناب خامس آل عبا -روحنا فداه- تا باعث مزید حسنات و محو سیئات ایشان گردد؛ و تولیت را مرجوع داشت به نفس خود مادام حیات که هر قدر منافع از این ملک برخواسته شود، سال به سال به هر نحوی که خودش مصلحت بداند در راه آن بزرگوار به مصرف برساند و بعد از حیات خود، متولی مفوض و مرجوع نموده به برادر خود؛ عالی شأن عزّت نشان، آقا غلام حسین که به هر نحوی که او می داند، در راه آن بزرگوار در هر جا و در هر تکیه و مکان که مصلحت می داند به مصرف خرج آن بزرگوار یا نحوه های دیگر برساند و بعد به اولاد ذکور ایشان به شرط القابلیّه، و الآ به علمای بلد ایشان به شرط «الاعلم فالاعلم» و بعد به قاطبه علمای اعلام -کثر الله امثالهم- به شرط «الاعلم فالاعلم» «فمن بدّله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذین یبدلونه انّ الله سمیع علیم ۵» و سیغه وقف به نحو مرقوم به شرع مطاع جاری گردیده؛ وقفاً صحیحاً شرعياً اسلامياً بحیث لا یباع و لا یرهن و کان وقوع ذالک بتاریخ سنه ۱۲۰۹

- مهر بیضی: «کنیز فاطمه، لیلی».

- مهر بیضی: «عبده الرّاجی، محمد شفیع».

- نظر به آمهار سایر مؤمنین و اقرار واقفه، صحیح و خلافی نیست. [مهر بیضی]: «عبده... الموسوی».
- همشیره مکرمه اقرار و اعتراف نموده، خلاف ندارد و صحیح است. [مهر بیضی]: «یامحمد، ادرکنی». [مهر بیضی]: «عبده، محمدقلی». [مهر بیضی]: «عبده، محمدحسین».
- آنچه در این ورقه ثبت و درج است، خلافی ندارد و صحیح است.
- [مهر بیضی]: «عبده باباجانی». [مهر بیضی]: «یا امام محمدباقر». [مهر چهارگوش]: «عبده، نادرقلی».
- کما شهید بذالک؛ بالو [مهر بیضی مخدوش].
- حاجی نوراله تیرگر. [مهر بیضی]: «... نورالله عظیم».
- کما شهید بذالک، کتبه یامخانه [مهر بیضی]: «عبده، نصرالله».
- کما شهید بذالک، یامخانه. [مهر بیضی]: «یا ابراهیم».
- علی ذالک یشهد. [مهر بیضی]: «عبده تراب».
- [مهر بیضی]: «نصرالله».
- [مهر چهارگوش]: «محمدعلی».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



تصویر سند سال ۱۲۰۹ ق از جامخانه